

۱۰

قطعنامه‌توحیدی

خلاصه جلسه دهم: عبادت و اطاعت انحصاری خدا

در جلسه‌ی سوم از بحث توحید، آیت‌الله خامنه‌ای با بیان این موضوع که توحید طولانی‌ترین و مفصل‌ترین بحث سراسر قرآن از لحاظ سخن و تعداد آیات است و این توحید عقیده‌ای متضمن تعهد و مسئولیت است، فرمودند: «اگر قرار شد توحید یک عقیده‌ای باشد که به دنبال خود تعهدی را... به ارمغان می‌آورد، پس باید فهمید و دانست، که این مسئولیت و تعهد و این تکلیف چیست.»

ایشان تعهد توحید به جامعه‌ی موحد را بالاتراز حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی دانستند و آن را مهمترین و بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مسائل یک جامعه مانند حکومت، اقتصاد، روابط بین‌الملل و... تعریف کردند. همچنین با طرح این موضوع که توحید به مثابه یک قطعنامه است، بیان کردند: «موحدین عالم از طرف پورددگارشان... ملزمند که این قطعنامه [توحیدی] را مورد عمل و اجراء قرار بدهند.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه از طریق آیات قرآن، مفاد این قطعنامه‌ی توحیدی را در ذیل بحث شرح دادند:



جلسه ۱۵: عبادت و اطاعت انحصاری خدا قطعنامه توحیدی

آیات ۳۱ تا ۲۸ سوره‌ی مبارکه یونس				آیات این جلسه
نفي عبدیت خدانماها	نظم اجتماعی	حقوق اساسی	تکالیف و مسئولیتهای فرد موحد	
شیطان	قطعنامه‌ی توحیدی	غیر خدا		وازگان کلیدی
نکات کلیدی				آیه
<p>اینجا شما با یک نظر خیلی عادی و سطحی می‌فهمید که در قیامت این شریک‌ها، آن کسانی که به شرارت خدا انتخاب شده بودند، غیر از آن هُبّل عقیقی بی‌جان است... صحت آن انسانی است که به شرکت و رقابت با خدا انتخاب شده، به آنها گفته می‌شود که در جای خود متوقف شوید، است!</p>				<p>وَيَوْمَ نَحْشِرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ نُقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَا كَانُوكُمْ آنُثُمْ وَشُرَكَائُكُمْ</p> <p>وروزی که همه‌ی آنان را (در قیامت) گردآوریم. آنکاه به کسانی که برای خدا شریکی قائل شدند گوییم</p>
<p>آن گروه‌هایی که گمراهی‌هایشان متقابل بوده، در قیامت به جان هم می‌افتد، در مقابل هم صفا آرایی می‌کنند.</p> <p>آن کسی که شرک ورزیده برای خدا و شریک گرفته، می‌خواهد گربیان آن شریک را بگیرد و او را به زمین بکوبد؛ بگوید من تو را به جای خدا قبول کرده بودم و حالا به این بلا دچار شدم. آن کسی هم که در دنیا مورد عبدیت و پرستش بوده، او هم برای تبرئه خودش حاضر است با ناسپاسی هرچه تمام‌تر،</p>				<p>فَرَيَّلَنَا يَئِنَّهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْنُمْ إِنَّا تَعْبُدُونَ</p> <p>(یونس/ ۲۸)</p> <p>پس میان آنها جدائی افکنیم و شریکان پنداری آنان گویند: شما ماراعبادت نمی‌کردید.</p>



عالقمدان و تابعان و متابعان دنیای خودش را رد کند، از آنها بیزاری و تبری بجوید.

کارهایی که در دنیا انجام گرفته، آنجا مورد آزمایش آزمون خود انسان قرار می‌گیرد.

همه‌ی آن چیزهایی که به صورت بهانه و عذری برای عبودیت غیر خدار در دل انسان بود و آدم فکر می‌کرد که در قیامت حریه‌ی دست او خواهد شد، از دست انسان گرفته خواهد شد.

و احتمال دیگر در معنای آیه؛ [اینکه] انسان در دنیا پشتیبان‌ها برای خود فرض می‌کند، همان‌هایی که عبادتشان می‌کند... دلش به آنها گرم است؛ اما روز قیامت این همه دلگرمی و پشت‌گرمی، این همه حامی و پشتیبان، نمی‌توانند باری از دوش او بردارند.

فَكَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
لَغَافِلِينَ

(يونس/۲۹)

میان ما و شما خداگواهی بسنده است که ما از عبادت شما غافل و بی‌خبر بودیم.

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَا
أَشْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللّٰهِ مَوْلَاهُمْ
الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ

(يونس/۳۰)

و در آن هنگام هر کسی هر آنچه از پیش انجام داده، می‌آزماید. و بازگردانیده شوند بسوی خدا، مولای حقیقی‌شان و هر آنچه به دروغ می‌بستند، همه از ایشان گم و ناپدیدگردید.

استدلالات قرآن این جوری است... گاهی خیلی رویاروی استدلال نمی‌کند، زمینه‌ی استدلال مغزی خود آدم را، برای انسان فراهم می‌کند. اینجا خدای متعال در این آیات می‌خواهد ثابت کند که فقط در مقابل خدا باید اطاعت و عبودیت کرد؛ از این راه وارد می‌شود.

در حقیقت این آیه دارد اشاره می‌کند به داشتن بصیرت، به داشتن نیروی فهم و خرد، که ای انسان که بناست حالا فکرکنی و جواب این سوال را به ما بدھی، تواند سمعی و دارای بصری.

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ أَمْنٌ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ
الْأَبْصَارَ

بگو چه کسی آنان را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی شناوی و بینائی ها را در قبصه‌ی اختیار دارد؟

نشانه‌ی کمال قدرت پروردگار است؛ یک چیز زنده را زیک چیز مرده‌ای بیرون آوردن، یک چیز مرده را زیک چیز زنده‌ای خارج کردن، این نشانه‌ی کمال قدرتمندی و قبضه‌ی نیرومند قدرت خداست.

وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَچه کسی برون می‌آورد زنده را
از مرده و مرده را از زنده

این سوال در ضمن اینکه از مشرکان زمان نزول وحی بود، از من و شما هم [هست]... کیست که دارد همه‌ی عالم را تدبیر می‌کند؟ بعضی فکر نکرده می‌گویند الله، که عقیده‌شان در همان زمان هم این بوده؛... بنده یک خردۀ فکر می‌کنم، دقت می‌کنم، «فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ» می‌گوییم خداست. این انتظام عجیب عالم تکوین از سوی خداست و بس. این دست قدرت اوست که دارد این گردونه را می‌گرداند.

وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ
اللهُ
وَچه کسی امر (جهان) را تدبیر می‌کند؟ (در تکوین) خواهند گفت: خدا

يعنى پروا نمى کنيد از اين خدای عظيم ... كه غير او را در اطاعت، در عبوديت شريك او قرار مى دهيد؟ ببينيد، اگر تدبیر تکويني عالم به دست او است، چرا تدبیر تشريعي عالم به دست او نباشد؟ چرا خودش قانون نگذارد؟ چرا خودش قدرت نگاهبان و پاسدار قانون رامعین نكند و ازاو حمایت نكند؟ امامت، ولایت، چرانکند؟ چرا امام قرار ندهد؟

پيداست که منظور در اينجا بتهای جاندار است، آن کسانی که اقتداری از اقتدارات و قدرتی از قدرت‌ها در قبضه‌ی آنها بوده [است].

کسی که در مقابل خدا بود، قهراً در مقابل حق، به چيز [ديگري] دعوت مى کند؛ پس خداست فقط آن کسی که به حق فرامی خواند.

آخر از چه کسی باید پيروي کرد؟ دنبال چه کسی باید رفت؟ دنبال خدا که خود آفريندگي حق و راهبر به سوي حق و راهنمای حق است؟ یا دنبال آن کسی که اگر بخواهد به حق برسد، دست خودش را هم باید بگيرند و ببرند؟ قرآن مى خواهد بگويد خدا انسان را به سعادت مى رساند... آن کسانی که خودشان از خودشان چيزی ندارند، نمى توانند.

فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

(يونس/٣١)

بگو؛ پس چرا پروا نمى کنيد؟ (و) غير او را به اراده‌ی امر جهان در تشريع انتخاب مى نمایيد)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائُكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ

بگو؛ از میان اين شريکان پنداري، چه کسی بسوی حق راهبر مى شود؟

قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ

بگو؛ خدا به سوي حق راهبری مى کند.

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْنُ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

(يونس/٣٥)

پس آيا کسی که به حق راهبری مى کند شايسته‌تر است که پيروي شود یا آنکه خود راه نمى يابد مگر آنکه راهبری شود؟ پس شما را چه مى شود؟ چگونه قضاوت مى کنيد

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۵۳/۰۷/۰۶ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

بسی روشن است که هدایت کردن و هدایت شدن، چیزی در خور موجود نمایند و انسانی است. پس .. سخن از آن انسانهایی است که داعیه‌ی ریویت و تدبیر در داده و در جلب عبودیت و اطاعت انسان‌های دیگر، خود را شریک و جایگزین خدا دانسته‌اند. نفی عبودیت «خدانما»‌ها، خدانما - چه در لباس قدرت‌های مذهبی (احبار و رهبان) و چه در لباس قدرت‌های دنیایی (مَلَ، مُتَرِف) - در پیشنهاد اسلام به اهل کتاب، نفی اطاعت قدرت‌های غیرالهی در آن آیده به این صورت آمد که «**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَيْمَةِ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ لَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَخَذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ**». أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ